

## متن سخنرانی جناب آقای مهندس طهماسب مظاهری وزیر محترم امور اقتصادی و دارایی

در مراسم افتتاحیه دوازدهمین همایش بانکداری اسلامی

۱۰ و ۱۱ شهریور ۱۳۸۰

بسمه تعالی

سلام علیکم ، صبح به خیر . بسم الله الرحمن الرحيم . برای بنده باعث خوشحالی و مسرت است که در اولین روزهای شروع مسئولیتم در وزارت امور اقتصادی و دارایی در این جلسه که اساتید، بزرگان و نخبگان سیستم بانکی حضور دارند ، حاضر شده و توفیق آن را پیدا کنم که نکاتی را به عرض برسانم و پیشنهادهایی را خدمت دوستانی که در جلسه هستند مطرح کنم تا بتوانیم با همدیگر و با همکاری دوستان بانک مرکزی و دوستان وزارت اقتصاد و دارایی و نیز دوستان و همکارانی که در شبکه بانکی هستند، همچنین ، اساتید و نخبگانی که در نظام دانشگاهی و علمی در این زمینهها کار می کنند، کار را به پیش ببریم . فکر می کنم مسؤلیت مشترک همگی ماست تا با یاری همدیگر راه حل هایی را پیدا کرده و نظام بانکی مان را متحول نماییم و در خدمت رشد و نمو اقتصاد مملکت قرار دهیم . این جلسه را می توان نقطه آغازی برای این کار دانست ؛ نقطه سرعت دادن به حرکتی که شاید از ۱۵ ، ۱۶ یا ۱۷ سال پیش در همین بانک مرکزی شروع شد . اگر خاطرتان باشد ، سالهای ۶۲ یا ۶۳ بود که این کار در بانک مرکزی آغاز گردید و در پی آن بودیم تا ببینیم نظام بانکداری مان چه تحولاتی را باید داشته باشد که بتواند با سرعت بیشتر ، خدمت بهتر و کیفیت مناسب تر در خدمت اقتصاد مملکت قرار گیرد با این شرط اصلی که چه در رابطه با بانک و سپرده گذار ، چه در رابطه با بانک و گیرندگان تسهیلات ، عقود اسلامی در آن حاکم باشد .

شاید قریب به ۱۷ سال پیش که این کار شروع شد ، نتایج زودرسی حاصل گردید که قانون عملیات بانکی بدون ربا اولین بازده و دست آورد آن بود . در مرحله بعدی ، مجموعه ای از آییننامه ها در دولت یا شورای پول و اعتبار با عنوان ضوابط و دستورالعمل های بانکداری اسلامی به تصویب رسید . تا آن مرحله اش به نظر می رسد که حرکت پر شتاب و خوبی بوده که براساس

احساس نیاز جامعه صورت گرفته است. بنده خودم توفیق داشتم که از همان زمان در جریان این تحول بوده، نقشی داشته باشم، شاگردی کنم و تلمذ نمایم. برداشت خودبنده این است که در آن زمان نیازی در جامعه احساس می‌شد. در آن زمان بنده در سازمان برنامه و بودجه بودم و در چنین کاری با عنوان نماینده سازمان برنامه در شورای پول و اعتبار حضور داشتم. حضرت آیت‌الله رضوانی راهنمایی می‌فرمودند. دوستان کارشناس دیگر مانند جناب آقای دکتر مهدوی و سایر دوستان کارهای کارشناسی می‌کردند. شهادت می‌دهم که این نیاز و ضرورت را که یک فشار روانی و اجتماعی بود، همه کسانی که در شورای پول و اعتبار در آن زمان بودند، احساس کرده و در صدد بودند تا نظامی را در بانکداری ایجاد کنند که منطبق با ضوابط اسلامی باشد. جلسات پیگیر، مستمر، متناوب و پشت‌سرهم برگزار شد، تا اینکه در یک فرصت معقول که شاید حدود یک یا دو سال طول کشید، چارچوب کار مشخص شد و در واقع، این قانون فعلی از آن نتیجه گردید.

آنچه به نظر می‌رسد این است که بعد از تصویب آن قانون و آییننامه‌های مربوط به آن و نیز ابلاغ آن به بانک‌ها و بدنه بانکی کشور، سنگینی یا فشار کمی از دوش مسؤولین سیستم بانکی برداشته شد؛ البته، شاید مراحل تکمیلی و تکاملی آن کندتر از آنچه حق مطلب بود، ادا گردید. من امروز می‌خواهم بگویم که عین آن فشار روانی-اجتماعی، آن نیاز روانی-اجتماعی که در آن روز به سبب آن تحول در سیستم بانکی بر دوشمان بود، امروز هم فکر می‌کنم بر دوش ما هست. منتها، امروز از زاویه دیگری باید به آن نگریست. امروز دیگر مبانی اسلامی باید تحقق یابد. حداقل، آنچه بین سپرده‌گذار و بانک بر روی کاغذ نوشته می‌شود یا آنچه بین مبنای حقوقی و قانونی بین تسهیلات‌گیرنده و بانک بر روی کاغذ آورده می‌شود، باید متکی بر ارکان اسلامی باشد. اصول و حدود اسلامی در آن مراعات شده باشد. اگر به نظر رسد مواردی در آییننامه‌ها خلاف مصالح عقود اسلامی است، باید مشخص شود. مسؤولیتی که امروز سیستم بانکی دارد و مسؤولیتی که بر دوش بنده می‌باشد و همچنین در چند سال اخیر و حتی سالهایی قبل از آن وجود داشته و در صحبت‌هایی هم که با خیلی از دوستان اقتصاددان و دوستان مسؤول در سیستم بانکی و دانشگاهی داشتم، متوجه شدم که با مسأله‌ای اجتماعی و روانی روبرو هستیم که نیاز مملکت و اقتصاد آن می‌باشد. نیازی که براساس آن سیستم بانکی باید با حفظ اصول و مبانی و چارچوب‌هایی که تصویب و تعیین شده، راه حل‌هایی پیدا کند که به سبب آن بتوان به رشد اقتصادی که لازمه پیشرفت مملکت است، رسید. رشد اقتصادی و توسعه اقتصادی که امروز ما به دنبالش هستیم، در صحبت‌های مختلف بیان شده. امروز، نه فرصت و نه نیاز آن هست که درباره‌اش صحبتی کنم، زیرا تمام کسانی که در این جمع هستند، قاعدتاً در این حد

علاقمندی داشته و دارند که برنامه‌های دولت، طرح ساماندهی، برنامه سوم، برنامه‌ای که دولت برای گرفتن رأی اعتماد کل دولت و اعضای دولت، منجمله حقیر برای وزارت اقتصاد به مجلس شورای اسلامی تقدیم کردیم، حتماً مطالعه کرده‌اید و به ویژه بخش مربوط به بانک و بانکداری آن را مورد توجه قرار داده و مستحضر هستید. قرار نیست که دیگر من درباره آن توضیح دهم، زیرا نه وقت آن هست و نه در برنامه پیش‌بینی آن شده. در واقع، من اکنون از وقت دیگر دوستان استفاده می‌کنم. خود آقای دکتر نوربخش هم به دلیل گرفتاری شخصی در تهران تشریف نداشتند و در واقع، اگر ایشان بودند، بخشی از وقت مربوط به ایشان بود که در غیاب ایشان من در اختیار گرفتم.

بنابراین، در این وقت محدود بنا نیست که درباره جزئیات توضیح دهم. در یک کلام، آنچه دولت پیش‌رو دارد و باید درباره‌اش کار کند، این است که مجموعه تدابیر، مجموعه قانونها، مجموعه تصمیمات اقتصادی دولت در چهار ساله اخیر در قالب طرح ساماندهی، در برنامه سوم به ثمر رسد. در قالب برنامه‌های عملیاتی امروز دولت؛ مفهومی کلی آن این است که با انجام گرفتن اصلاحات در ساختار اقتصادی، دست و پای دولت از تصدی‌گری در فعالیتهای اقتصادی پس کشیده شود، قدری عقب بنشیند و میدان و مجال را برای سرمایه‌گذاری بخش غیردولتی باز کند. تولید مملکت را بالا ببرد، رونق اقتصادی را فراهم بکند و مردم را از نظر معیشتی در شرایط قابل قبولی قرار دهد. این شاه‌بیت برنامه‌های اقتصادی دولت است.

در سالهای قبل، در سالهای اول پیروزی انقلاب، در سالهای جنگ تحمیلی و در سالهای بعد از جنگ تحمیلی، دولت به دلیل ضرورت‌هایی که در هر یک از این سه مقطع بوده، تصدی‌گری خودش را بیشتر کرده. در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، ضرورت ایجاب می‌کرد که در شرایط اقتصادی جنگی، در دوران جنگ تحمیلی، اقتصاد جنگی همراه با افزایش تصدی‌گری‌های دولت باشد، تا هم هزینه‌های جنگ تحمیلی را تأمین کند و هم بتواند معیشت مردم را فراهم نماید. در دوران بعد از جنگ هم شاید بتوان گفت که آن آمادگی لازم برای حضور فوری و جدی بخش غیردولتی در تصدی‌گری اقتصادی وجود نداشت. در عین حال، ضرورت یک حرکت و تحول خیلی شدید وجود داشت؛ ضرورت بازسازی خرابی‌های جنگ بود و به هر حال، مجموعه سیاست‌هایی که در نهایت، افزایش تصدی‌گری‌های بخش دولتی را به همراه داشت، فراهم شد.

امروز در این دوره چهار ساله با تدابیری که اتخاذ شده، این نقطه عطفی در مراحل فعالیت‌های اقتصادی مملکت است که دیگر دولت ضرورتی به ادامه آن ندارد و باید دست خودش را پس بکشد که این کار را هم کرده و قانون آن را نیز از مجلس گرفته و ضوابطش را هم

تنظیم نموده. اکنون زمان آن است که برنامه‌ها انجام شود و دولت خودش به زیر بنا سازی، فعالیت‌های اعمال حاکمیت و تهیه مقدمات بپردازد و بخش غیردولتی، کار سرمایه‌گذاری تولید و اشتغال مملکت را انجام دهد. اگر این موارد را مبنا در نظر بگیریم، اولین و مهم‌ترین عاملی که می‌تواند سبب رسیدن به این هدف شود، نظام بانکی است. با این چارچوبی که عرض کردم، تصور اینکه در کشوری بخش غیردولتی سرمایه‌گذاری کند، تولید نماید، ایجاد رونق کرده و اشتغال به وجود آورد، در شرایطی که سیستم بانکی آن کشور توان و آمادگی لازم را برای ارائه خدمات بانکی روان، شفاف و صحیح‌العمل نداشته باشد، چنین تصویری باطل است. البته، فقط و فقط بحث سیستم بانکی نیست.

اگر ما بهترین نظام بانکی قابل تصور و تخیل را داشته باشیم، اما، نظام مالیاتی‌مان جواب ندهد، نظام‌های حسابرسی، بازار و سرمایه و غیره درست نباشد، باز هم آنچه هدف است، تحقق نمی‌یابد.

اهمیت سایر نظام‌ها برای فعال کردن بخش غیردولتی در رونق اقتصادی جای خودش را دارد. اما چون بحث ما در اینجا در ارتباط با سیستم بانکی است، به نظر می‌رسد که تمرکز ما در اینجا باید بر بخش مربوط به سیستم بانکی باشد و البته با این عنایت که بخش سیستم بانکی جلودار قضیه است، جلودار سایر اقدامات: نظام حسابرسی، نظام بازار سرمایه و غیره. همه این نظام‌ها در مراحل بعدی قرار می‌گیرند که باید هر کدام در جای خود نقش لازم را ایفا نمایند و باید هم چنین کرده و در خدمت قرار بگیرند. اما، جلودار قضیه سیستم بانکی است که باید بتواند منابع لازم را تأمین و تجهیز کرده و در خدمت سرمایه‌گذاری قرار بدهد. کسی که پس از در نظر گرفتن جمیع جهات، می‌خواهد برای طرحی سرمایه‌گذاری کرده یا پروژه‌ای را اجرا نماید، باید بتواند به سیستم بانکی اتکا کرده و مطمئن باشد که برای تهیه مقدمات کار، سیستم بانکی او را یاری خواهد کرد.

من نمی‌خواهم بحث این جلسه را از موضع انتقاد مطرح کنم، بلکه می‌خواهم بگویم که باید در تلاش برای پیدا کردن راه حل‌ها باشیم. در طول این ده، پانزده سال بعد از تصویب قانون و آییننامه‌ها و اعمال آن در سیستم بانکی، کار فکری نسبتاً سنگین و ارزنده‌ای در مجموعه نظام بانکی و به طور مشخص با هدایت بانک مرکزی از طریق همین مؤسسه علوم بانکی، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی که تأسیس گردید و در واقع، در خدمت این کار هستند، پیگیری شد که امروز می‌بینیم این دوازدهمین همایش مربوط به سیستم بانکی و بانکداری اسلامی است که برگزار می‌گردد.

به نظر می‌آید از اولین کارهایی که از همین امروز می‌توان انجام داد توجه به همین همایش

است. با اجازه آقای دکتر عمرانی، من هم در واقع، به عنوان یک پیشنهاد و حتی قدری جدی‌تری از پیشنهاد و به عنوان یک کار ضروری آن را مطرح می‌کنم. با آقای دکتر نوربخش هم که الان تشریف ندارند، هماهنگ کردم و ایشان هم تأیید فرمودند که این کار بایستی انجام شود. یعنی اینکه، این همایش به صورت یک همایش دو روزه برگزار نشود و تبدیل به جزوه یا مقالات بسیار ارزشمند و مفیدی نگردد که فقط در قفسه اتاق و کتابخانه بنده و شما و سایر دوستانی که اینجا نیستند بماند. موردی که شاید در این یازده همایش قبلی اتفاق افتاده. بنده خودم هم تمام یازده همایش قبلی را دنبال کردم و همه جزوه‌هایش را هم دارم و اکثرش را هم خوانده‌ام.

بسیاری از نکاتی که در همین دستور جلسه امروز هست، مثل ابزارهای سیاست پولی، اعمال سیاست بانکداری و غیره، در مقالاتی که در همایش سال قبل و سالهای قبل‌تر از آن وجود داشته مطرح گردیده و گزارش‌های خیلی خوبی هم درباره آن ارایه شده و تدوین گردیده. آنچه در این همایش‌ها اتفاق افتاده که البته تا به حال در همین حد نیز مغتنم و ارزشمند بوده این است که فکری که دوستان کردند و تدابیری که داشتند، طبعاً از سر علاقمندی و دلسوزی و علم و دانش بوده که به شکل مقالات در اینجا مطرح گردیده، توضیحاتی داده شده و مطالبی هم نوشته شده. ایراد کار این است که این مطالب متوقف گردیده و فقط تبدیل به جزوه شده. نظام اجرایی بانک‌ها در مجموع با این مطالبی که اینجا مطرح شده، گره نخورده و فقط پس از هر همایش، پیشنهادها و مقالات مطرح شده تبدیل به یک موضوع در دستور جلسه شورای پول و اعتبار، در دستور جلسه بانک‌ها و در دستور جلسه ادارات حقوقی شده اما در اختیار بانک‌ها قرار نگرفته تا از آن آیین‌نامه یا اساسنامه‌ای استخراج کنند که به مرحله عمل برسد؛ اگر لازم است در برخی مواردش تأییدیه فقهی و شرعی از حضور علما و فقها گرفته شود، کارهای کارشناسی درباره آن انجام گیرد و یا اگر در بعضی مقالات ایده‌ای مطرح شده که قابل پیگیری بوده، پیگیری لازم برای آن انجام گیرد. به نظر می‌آید که خوب است برای پیشبرد کار با هم قرار مشترکی بگذاریم و چنانچه این قرار مشترک نباشد، بنده در وزارت اقتصاد این بحث را ادامه دهم تا بتوانیم کار را به پیش ببریم. البته، این بحث را از همین چند روز اخیر به جریان انداختم. از معاونت اقتصادی وزارت اقتصاد و دارایی خواستم این کار را به عنوان یک سؤال و به عنوان یک دستور جلسه، با استفاده و کمک از تمام فکری که قبلاً شده و با فکری که در این جلسه می‌شود، دنبال کنند. انتظار این است که این همایش دو روزه تبدیل به یک گروه کار کارشناسی گردیده، با این هدف که همین بحث‌هایی که در این یکی دو روز مطرح می‌شود و بحث‌هایی که قبلاً وجود داشته و باز به دلیل بحث‌هایی که احتمالاً فرصت ارایه آن در این جلسه نشده و آقای دکتر عمرانی هم به آن اشاره کردند، به علت محدودیت وقت و فرصت محدود و زمان دو روزه،

میسر نشد تا ایده‌های خوبی که مطرح شده در این فاصله زمانی گنجانیده شود، در حالی که ضرورت آن احساس می‌شد. در کار عملی و اجرایی ما این محدودیت را نداریم و از هر ایده، ابتکار و هر راه حلی باید بتوانیم برای تکمیل این بحث استفاده کنیم و با سازماندهی لازم به این هدف برسیم. راه حل قضیه و کاری که بنده در وزارت اقتصاد در همین یک هفته اخیر شروع کردم و با قولی که بنده از طرف خود و از طرف دولت دادم، این بود که در فرصتی کوتاه بتوانیم کار را به ثمر قابل لمس برسیم. ضرورتی که جزو اولین کارها باید انجام بدهیم.

اولین پیشنهاد من، اولین خواهش من، که اگر از نظر اداری بتوان آن را اعمال کرد این است که وزارت اقتصاد از بانک مرکزی بخواهد و خواسته است که جناب آقای دکتر عمرانی و دوستان دیگر مانند جناب آقای دکتر مجتهد و سایر همکاران بانک مرکزی مانند جناب آقای دکتر شیبانی، دبیرکل شورای پول و اعتبار، بعد از این همایش دو روزه کار را رها نکنند و با عنوان اینکه همایش دو روزه‌ای برگزار شده و مقالات خوبی هم ارائه گردیده، کار را خاتمه ندهند. در واقع از پس فردا کار فنی و گروهی برای بهره‌برداری از موضوعات این همایش و همایش‌های قبلی باید آغاز شود. باید به دنبال آن باشیم تا حداقل برای چند سؤال اولیه و جدی که وجود دارد و سیستم بانکی هم الان با این سؤالات روز درگیر است، پاسخ‌های خیلی روشنی ارائه دهیم.

تا جایی که به نظرم می‌رسد و اطلاع دارم، تاکنون کارهای کارشناسی و فکری نسبتاً عمیقی درباره این سؤالات شده است. اگر یک جمع‌بندی در مورد سؤالاتها بشود و حک و اصلاح و ویرایش‌های لازم در بعضی موارد انجام گیرد، و درباره مسائلی همچون سود یا سود علی‌الحساب و غیره به دنبال راهنمایی و اخذ نظر از دوستان و علمایی که در این کار صاحب نظر هستند باشیم و نیز مشورت با آنان، ما را در رسیدن به هدف یاری می‌دهد.

بنابراین، من این بحث را در همین جا ختم می‌کنم و فکر می‌کنم اگر تنها کاری که بعد از این همایش و بعد از بحث‌های علمی و فنی و نتیجه‌گیری‌های لازم، بتوانیم انجام دهیم این باشد که موضوع میزگرد فردا را اختصاص به جمع‌بندی موضوعات سمینار داده و از پس فردا هم در صدد باشیم که سؤالات مطرح شده یا مطرح نشده و به هر حال سؤالات اصلی را پیگیری نماییم. فکر می‌کنم آقای دکتر عمرانی، آقای دکتر شیبانی و سایر دوستان بانک مرکزی جلودار قضیه هستند. ما هم در وزارت اقتصاد تا جایی که بانک مرکزی این کار را به پیش ببرد، در خدمتشان و زیر سایه‌شان هستیم و از کارهای فکری آنان و نتایجش بهره‌مند می‌شویم. وزارت اقتصاد و معاونت اقتصادی و سایر قسمت‌های آن نیز در صورت لزوم و در صورت نیاز بانک مرکزی به کارهای تکمیلی یا کار فکری و عملی با آن همکاری خواهند کرد و البته وظیفه هم دارند که

همکاری کنند. حتی اگر لازم باشد، خود وزارت اقتصاد این کار را خواهد کرد. اگر بعد از همایش چنین استنباط شود که بانک مرکزی کار را در همین جا و در همین حد همایش متوقف کرده، خود وزارت اقتصاد انجام دادن کار را به عهده می‌گیرد که البته، انشاءالله این طور نخواهد شد و خود بانک مرکزی این ابتکار عمل را در اختیار خواهد داشت.

به نظر بنده می‌رسد که سؤالات اصلی که در پیش‌نویس مطرح شده و قابلیت طرح دارد و آنها را خدمت دوستان وزارت اقتصاد ارایه دادم که البته، آنها را به دوستان بانک مرکزی هم خواهم داد، در اینجا قاعدتاً درباره‌اش صحبت می‌شود.

چند موضوع اصلی است که باید مورد ملاحظه قرار گیرد و حداقل تا حدی که به ما منعکس شده سؤالات مهمی است که باید معلوم شود. یکی از آنها بحث نحوه محاسبه سود بانکی و نحوه ثبت آن در دفاتر شرکتها و مؤسساتی است که از سیستم بانکی وام می‌گیرند، تسهیلات می‌گیرند، قرارداد می‌بندند و همچنین، نحوه ثبت آنها در ترازنامه خود بانک‌ها و نحوه محاسبه و پرداخت سود قطعی‌اش به سپرده‌گذارهاست.

شاید بخشی از مطالبی که آقای امیر اصلانی قرار است مطرح کنند در این زمینه باشد که حتماً خوب خواهد بود و محل بحث آن هم وجود دارد.

شاید نکته ظریف و مهمی که وجود دارد این است که آیا بانک در ازای قرارداد وکالتی که از سپرده‌گذار می‌گیرد، باید نقش واسطه و جوه را ایفا کند و این جوه مربوط به سپرده‌گذاران را در اختیار تسهیلات‌گیرندگانی قرار دهد که آنان نیز مدیریت کرده و ریسک آن را نیز تقبل نمایند و سود سرمایه‌گذاری آن را بانک بگیرد و به سپرده‌گذار بدهد. یا اینکه بانک باید از نقش واسطه و جوه بودن خارج شده و خودش به عنوان سرمایه‌گذار اصلی در قالب مشارکت حقوقی یا سرمایه‌گذاری مستقیم وارد بهره‌برداری از آن جوه بشود؟

به نظر می‌رسد که این دو حالت، دوروش را برای حل مسأله ایجاد می‌کند که باید درباره‌اش تصمیم‌گیری شود.

اگر بانک فقط مدیریت آن جوه را برای سرمایه‌گذاری به عهده بگیرد، خودش مدیریت کند، خودش تولید کند حتی با مشارکت دیگری، اما مسؤولیت نگهداشتن حساب و کتاب، سود و زیان و نظارت‌های عملیاتی به عهده بانک باشد، این خود دارای معناست.

اگر بانک بخواهد واسطه و جوه باشد، تا آن حدی که شنیدیم و خواندیم و دیدیم، نقش بانک این است (البته، اگر بخواهد این نقش را پیدا کند) که ابزار، وسایل و امکانات دیگری برای خود مهیا کند. شاید آنچه ما در آییننامه‌های فعلی داریم، بخش اول را تأمین می‌کند و به راحتی هم تأمین می‌کند. اگر سرمایه‌گذاری مستقیم و مشارکت حقوقی در نظر گرفته شود، کار بسیار

منظمی است که آییننامه‌ها، ضوابط و قانون آن هست. اما به محض اینکه خواستید به بانک این شخصیت را بدهید که واسطه و جوه باشد، به نظر می‌آید کمبودهایی وجود داشته باشد. آقای دکتر عمرانی نیز اشاره کردند برای آنکه چنین نقشی ایفا شود، امکانات و ابزارهای لازم هم باید برای آن مهیا شود که در حال حاضر وجود ندارد و به عبارتی، کمبودهایی حس می‌شود. به نظر می‌رسد این نکته مهمی باشد که ما باید کارهای فنی، کارهای اجرایی و ضرورت‌هایش را تبیین کنیم و تأیید چارچوب فقهی آن را نیز بگیریم. اگر به نظر رسید که روش و ابزاری کارایی دارد، آن را طراحی کنیم و بعد ببینیم که آیا در چارچوب ضوابط فقهی آن می‌گنجد یا خیر. اگر مطابق با آن بود، آن را انجام می‌دهیم و اگر چنین نبود، اصلاحات لازم را در آن به وجود می‌آوریم. حضرت آیت‌اله رضوانی تشریف دارند و خاطرشان هست که در واقع در قالب آن جلساتی که در تنظیم عملیات بانکی بدون ربا و در طراحی قانون آن برگزار می‌شد، موضوعش این بود که دوستان صاحب نظر و دوستان متخصص راه‌حلی‌هایی را در قالب سؤال مطرح می‌کردند که مثلاً اگر چنین باشد، آیا این معامله غلط است یا درست. درست و غلط بودن آن را جناب آیت‌اله رضوانی و آقایان دیگر تأیید می‌فرمودند و در مجموع همین موارد بود که ما را به قانون عملیات بانکی بدون ربا رسانید.

کارهایی که شده خوب است اما به نظر می‌رسد لازم بوده، ولی کافی نیست. همان طور که آقای دکتر عمرانی فرمودند، امروز هم ما نیاز به ابزارهای جدیدی داریم تا بتوانیم نقش خودمان را ایفا نماییم. برای اینکه از این حالت کنده‌ای که سیستم بانکی در ارایه خدمات به مردم دچار شده در بیاییم، برای اینکه از این عقب ماندگی خدمات سیستم بانکی به مردم خارج شده و بتوانیم خدمات نوینی بدهیم و در واقع، نقش و وظیفه خودمان را آن طوری که در شأن امروز مملکت، نیاز اقتصاد امروز مملکت و لزوم اتصال اقتصاد کشور به اقتصاد دنیا هست، ایفا کنیم، باید همه تلاش و مساعی خویش را به کار گیریم.

یکی از سؤالاتی که شاید این روزها مطرح است و بنده هم همین چند روز پیش خدمت دوستان نوشتم این بود که مجمع عمومی بانک‌ها برای تصویب ترازنامه و سود و زیان سال ۷۹ بانک‌ها باید اقدام کرده و تکلیفش را روشن کند و تازمانی که تکلیفش معلوم نشود، قاعدتاً مجمع نباید تصمیم بگیرد، این است که نحوه محاسبه حق الوکاله یا حق العمل یا حق الزحمه بانک در مقابل سپرده‌گذار چگونه است؟ به نظر می‌رسد هنوز چیزی مشخص نیست و در ترازنامه بانک‌ها اصلاً انعکاسی ندارد. بانک‌ها آنچه در ترازنامه به عنوان درآمدشان از عواید سپرده‌های سرمایه‌گذاری درج می‌کنند، باید حق العمل، حق الوکاله یا حق الزحمه‌ای باشد که با سپرده‌گذار توافق کرده‌اند. بقیه عواید مربوط به سپرده‌گذاران است. عواید مربوط به سپرده‌گذاران که در واقع



موکلین بانک هستند، نباید در درآمدهای وکیل ثبت شود. اگر کسی وکیل است که کاری را برای کسی با پول او انجام دهد، عوایدی که از آن فعالیت اقتصادی حاصل می‌شود، متعلق به موکل است، نه متعلق به وکیل. این دیگر از موارد ابتدایی کار بانکی و قراردادهایی این چنین است. ما الان همه عواید حاصل از تسهیلاتی که بانک‌ها به مشتریان می‌دهند، در درآمد بانک‌ها ثبت می‌کنیم. این درآمد متعلق به وکیل نیست. زیرا، اگر مثلاً وکیل خانه‌ای برای موکل خرید، این پول درآمد آن وکیل نیست و وقتی هم خرج کرد، هزینه وکیل نیست. آن حدی که متعلق به وکیل است و حق الوکاله او نامیده می‌شود، باید در درآمدش ثبت شود. پول موکل متعلق به خود اوست و در درآمدهای وکیل ثبت نمی‌گردد. آن چیزی هم که حاصل کار باشد، مثلاً خانه‌ای که می‌خرد یا سودی که عاید می‌شود یا مالکیتی که تحقق می‌پذیرد، متعلق به موکل است و حق انتفاع از آن خانه هم متعلق به موکل است.

در اینجا وکیل نمی‌تواند سودی را برای خودش ثبت کند و این در ترازنامه بانک‌ها هم به این شکل تفکیک نمی‌شود و منعکس نمی‌گردد. این نکته‌ای است که از روز اول تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا ملاک کار بود و در مجمع عمومی بانک‌ها نیز چندین بار مطرح شد. به هر حال، به نظر می‌آید که باید در ترازنامه سال ۷۹ بانک‌ها عمل شود تا قابلیت تصویب در مجمع عمومی را داشته باشد. بنده به عنوان رییس مجمع عمومی بانک‌ها، تا زمانی که این اصلاحات انجام نگیرد، اجازه طرح ترازنامه‌ها در مجمع عمومی بانک‌ها را نمی‌دهم. به آقایان مدیران بانک‌ها هم نوشته‌ام که این اصلاحات را باید در ترازنامه‌شان در سال ۷۹ انجام بدهند. هر بار که ما این مسأله را مطرح کردیم، گفتند حالا گذشته، باشد از سال دیگر که این خود چند سال طول کشید، اما کاری انجام نشد. بنده از مدیران بانک‌ها خواهش کردم که به عنوان قدمی به نزدیک شدن به عملیات کار، این اصلاحات را در ترازنامه‌شان انجام دهند. به آقای فاطمی هم در سازمان حسابرسی نوشتم که اگر ترازنامه‌ها اصلاح نشد، سندهای اصلاحی آن را حتماً بخواهند و در بندهای مشروط ترازنامه‌های بانک‌ها بنویسند تا مجمع بتواند آن را تصویب کند.

به نظر می‌رسد که چند کار این چنینی هست که مانند گره‌های کوچکی می‌ماند که اگر یکی از آنها باز شود، گره‌های دیگر نیز باز می‌گردد. اگر این کار اتفاق نیفتد، به نظر می‌آید که بانک‌ها هزینه‌هایشان محدود به استفاده از همان درآمد خودشان شده و در نتیجه، هزینه‌هایشان در حد همان دو درصد، سه درصد، چهار درصد حق الوکاله که درآمدشان است، محدود می‌گردد. بانک‌ها اجازه هزینه کردن از سود سپرده‌گذاران را ندارند. در حالی که الان وقتی همه آن سود جزو درآمدشان محسوب شود، اجازه هزینه کردن پیدا می‌کنند و وقتی اجازه هزینه کردن داشته باشند، سود خوبی هم نصیب‌شان می‌شود که البته مالیاتش را هم به دولت می‌پردازند و هزینه‌ها

هم به طور طبیعی بالا می‌رود.

به نظر می‌رسد با این تفکیک، تصویر بهتری از ترازنامه بانک‌ها داشته باشیم که در واقع حقوق سپرده‌گذاران هم حفظ گردد. مدیریت سیستم بانکی هم که اکنون می‌خواهد در رقابت با بانک‌های خصوصی قرار گیرد، باید در حد همان درآمدها و حق‌الوکاله خودش و حق‌الزحمه خدماتی که ارائه می‌دهد حرکت کرده و کار را پیش ببرد و در نهایت فاصله بین سود سپرده‌گذاران و سود تسهیلات هم کم بشود. الان، یکی از مشکلات ما فاصله زیاد بین این دو است. یکی از پارامترها می‌تواند این باشد. به نظر می‌رسد این یکی از نکاتی باشد که شاید بتوان شکل اجرایی‌اش را اینجا فراهم کرد. یکی از دوستان می‌گفت اگر این کار را بکنیم، **turn over** (بازگردان) و حجم عملیاتی مالی بانک‌ها به لحاظ مطلق کاهش پیدا می‌کند. توضیحش این است که فردا باید راه‌حلی پیدا کنیم که این **turn over** و این حجم عملیات را برای مردم خودمان توضیح دهیم. حتماً، مردم خودمان از این کاهش حجم استقبال خواهند کرد. اگر دلایل و ضروریات و مبانی‌اش را توضیح دهیم، برای بیرون از مملکت و برای مجامع بین‌المللی هم می‌توان توضیح داد که در واقع این **turn over** ما کاهش پیدا نکرده، بلکه مشکل ثبتش این طور اصلاح شده و مبانی کار در جهت منافع سپرده‌گذاران است. این خود یک تز و ایده قابل طرح است که می‌توانیم اگر بخواهیم، آن را مطرح کنیم. اگر بخواهیم از بانکداری اسلامی در مجامع بانکی دنیا دفاع کنیم، فقط نباید سختی‌های مربوط به افزایش هزینه‌های نظارت و غیره را مطرح کنیم، بلکه، این روش برای تأمین منافع سپرده‌گذاران یکی از نقاط قوت این قانون و روال کاری ما هست که می‌توان آن را در مجامع بین‌المللی مطرح کرد و در واقع ادعای ما به عنوان یکی از بزرگترین، یکی از اولیه‌ترین سیستم‌های بانکی دنیا که می‌گوییم می‌خواهیم بانکداری‌مان منطبق بر نظامات اسلامی و عملیات بدون ربا باشد، از این نقاط مثبتش می‌توانیم به راحتی دفاع کرده و در مجامع بین‌المللی آن را مطرح نموده و در واقع، از آن بهره‌مند شویم. فقط نباید نقاط منفی را مطرح کنیم. مثلاً درباره هزینه‌های نظارت یا سایر گرفتاری‌های سیستم بانکی دولتی‌مان اشاره کرده یا نقطه‌ضعفی را برای آن متصور شویم و به هر حال نباید فقط در همین موارد خود را متوقف نماییم.

نکته‌ای که شاید جا داشته باشد در همین بحث تکلیف‌ش روشن شود، حد و حدود سپرده قانونی است. آیا در مورد سپرده‌هایی که مردم به وکالت نزد بانک‌ها می‌گذارند، می‌توانیم سپرده قانونی بگیریم؟ آیا می‌توانیم مثلاً، به وکیل بگوییم تو وکیل مردمی که پولشان را برای سرمایه‌گذاری خرج کنی، اما مثلاً ۲۱٪ آن را نزد من بگذار و آن را بلوکه کن و الباقی آن را به کارگیر؟ آیا این کار مبنای علمی، فقهی، بانکی دارد؟

نکته دیگر درباره تورم است. بحثی که شاید بحث روز باشد، بحث تورم است. جناب آقای موسوی بجنوردی در این زمینه نظرات خیلی جدید و قابل استفاده و ارزشمندی دارند که برای ما درسی است که از آن در سیستم بانکی استفاده کنیم. ایشان فرمودند به نظر می آید که باید به این بحث توجه کرده و تعاریف جدیدی را که از بحث تورم، قدرت پول، قابلیت پول، ربا، ارزش ذاتی پول، اسکناس، پول اعتباری، پول الکترونیکی و غیره وجود دارد، مورد تأمل و بررسی قرار دهیم. در همایش های قبلی هم من دیدم بحث هایی مطرح شده اما، امروز ما به عنوان همکاران وزارت اقتصاد و مجموعه نظام بانکی نیازمند آنیم که شکل عملی و فیزیکی و نحوه بهره برداری از آن را در نظاممان و همچنین به منظور حفظ منافع سپرده گذارانمان معلوم کنیم. موارد زیاد است. من نامه ای نوشته ام و مجموعه این سؤالات را در وزارت اقتصاد مطرح نموده و در حدی که خودم در آنجا اختیار عملی دارم، کسانی را که مرتبط با کار هستند، مأمور کرده ام تا کار را پیگیری کنند و باز تا جایی که در حد اختیار من است می بایست به بانک مرکزی تکلیف کنم که در این زمینه ها کار کنند و در حد این بحث ها جلسه را ختمش نکنند. این سؤالات را من از روی عناوین همایش های سال های قبل در آورده ام. کاری بوده که شخص بنده در زمانی که خدمات مشاوره ریاست جمهوری را داشتم انجام دادم و یکی از رفرنس های مراجعه من همین عناوین همایش های یازده گانه قبلی و یکی هم همین بحث های روز بوده است. این سؤالات، سؤالاتی کلیدی است که باید درباره اش تصمیم گرفته شود. این کارها را به عهده دوستان گذاشتم و خواهش کردم که در زمینه آن کار کنند و آن را به ثمر رسانند.

یکی از نکات مهمش را که می خواهم ذکر کرده و عناوین را خاتمه بدهم و در گزارش مربوط هم هست که می توانید آن را ببینید، بانکداری خصوصی و بانکداری دولتی است که مبنای کار دولت هم بوده و در گزارشی هم که به مجلس ارایه شد، حتی عناوینش هم درج گردیده. اکنون که سرانجام سیستم بانکی مملکت به این نقطه تکامل رسیده که مجوز فعالیت بخش بانکی را توانسته ایم در بخش خصوصی بگیریم، الحمدالله دو بانک هم در این زمینه تأسیس شده و چند بانک دیگر هم ممکن است تأسیس شود، این حرف به عنوان یکی از اقدامات مربوط به خصوصی سازی اقتصاد یا رقابتی کردن آن بوده که در این چهار سال پیگیری شده و جزو خدماتی بوده که دولت، وزارت اقتصاد و بانک مرکزی برای مملکت انجام داده اند و مجوزهای لازم را برای آن گرفته اند و شکل عملی اش را شما بهتر از من می دانید که شروع شده و ادامه پذیر است. اما، سؤالی که در اینجا مطرح است و ضرورت یک کار فنی و تکنیکی را می طلبد این است که چه باید کرد تا رقابت بین بانک های خصوصی تازه تأسیس و بانک های دولتی موجود، رقابتی سالم و درست باشد که البته این خود وجوه مختلفی دارد. ضرورتی نیست که در اینجا وارد

جزئیات شوم، چون مثل درس پس دادن به دوستان است. یک وجه آن این است که بانک‌های خصوصی که قرار است تشکیل شود، بانک‌هایی است که از لحاظ جثه، سرمایه و حجم فعالیت در مقایسه با بانک‌های دولتی کوچک است. این رقابت بایستی با ملاحظه این قد و قواره باشد. در ورزش کشتی هم وقتی یک کشتی‌گیر ۴۸ کیلو در مقابل یک کشتی‌گیر ۱۱۰ کیلو قرار گیرد، رقابت درست و عادلانه‌ای نیست. ما باید در این رقابت، این جثه کوچک را در کنار جثه بزرگ بانکداری دولتی‌مان که کوچکترین بانک‌های دولتی ما از بزرگترین بانک‌های خصوصی‌مان خیلی بزرگتر است، قرار دهیم و شرایط را طوری فراهم کنیم که بانک‌های کوچک بتوانند حرکت کرده و رشد نمایند.

مورد دوم اینکه این بانک‌های خصوصی دارای آزادی‌هایی در عمل هستند که مدیران بانک‌های دولتی فاقد آن بوده و گرفتاری محدودیت در مقررات و ضوابط دولتی و غیره را دارند که این نیز رقابتی عادلانه نیست.

سؤال دیگر، برای اینکه این رقابت، رقابتی عادلانه باشد، برای مدیران عامل بانک‌های دولتی‌مان چه تدابیر و آزادی عمل‌هایی باید طراحی شود که در ارتباط با رقابت این بانک‌های خصوصی و بانک دولتی کار مناسبی انجام گرفته و رقابت عادلانه باشد.

مجموعاً این دو سؤالی است که در مورد بانکداری خصوصی مطرح است، در کنار مسأله نظارت؛ یعنی در نظام نظارت بر فعالیت بانک‌ها، همیشه مشکل و کمبود وجود داشته و از آن رنج برده‌ایم. به محض اینکه قدری آزادی عمل به بانک‌ها داده می‌شود، با مجموعه مسایلی روبرو می‌شویم که آثار منفی آن در جامعه بر ذهن مدیران و بر ذهن مردم می‌ماند که مثلاً در بانک‌ها مشکلات است، اختلاس است، فساد است و غیره که کار از این جهت دچار مشکل می‌شود. به محض اینکه سخت می‌گیریم، تبدیل به یک نظام بوروکرات می‌گردد. نحوه نظارت بر فعالیت بانک‌ها، چه بانک مرکزی بر بانک‌ها و چه مرکزیت بانک‌ها بر واحدها و شعب خودش و همچنین نحوه نظارت بر بانک‌های خصوصی. حال که قرار است رشد کرده و توسعه یابند، باید در نظام دقیق، ارزشمند و فعالی قرار گیرد که بتوان برای آن طراحی کرد. قطعاً، دوستانی که در بانک مرکزی هستند، در واحد نظارت بر بانک‌ها هستند، مانند آقای یوسفی کیا و آقای دکتر مهدوی که ما خودمان در بانک مرکزی در خدمتشان بودیم، تأیید می‌کنند که با نظام نظارتی که امروز وجود دارد، این امکان فراهم نیست و یا شاید بتوان گفت که هزینه‌های آن نسبت به عوایدش بسیار بیشتر خواهد بود. اگر بخواهیم با این نظام نظارتی موجود بانک‌های خصوصی را رشد و توسعه دهیم یا به بانک‌های دولتی‌مان آزادی عمل بیش از پیش بدهیم، این کار حتماً جواب نداده و هزینه‌هایش بسیار زیاد خواهد بود. اما این نباید دلیل بر آن شود که چنین کاری نکنیم.

باید بر آن نظام نظارتی کار کنیم؛ نظام نظارتی بانک مرکزی بر بانکها و نظام نظارتی بانکها بر شعب خود یکی از کارهایی است که پیش نیاز فعالیت بخش بانک خصوصی و آزاد کردن فعالیت‌های بانک‌های دولتی است. من عناوین مطلب را در همین جا ختم می‌کنم. به نظر می‌آید که مجموعه این عناوین، عناوین اصلی است که کار فکری برای آن شده و جای کار بیشتر هم بر آن وجود دارد. اما، جمع‌بندی و بهره‌برداری از مجموعه کارهایی که شده حتماً می‌تواند ما را به نقطه‌ای برساند که یک نظام بانکی در خدمت مردم داشته باشیم. نظام بانکی صحیح و روشن داشته باشیم. نظام بانکی با ابزار و روشهای مدرن داشته باشیم. بحث مدرن کردن یا مکانیزاسیون بانکها هم یکی از کارهایی است که ضرورت و اهمیت آن حس شده است. در این چند سال حرکتی را شروع کردند، اما، آنچه اکنون در مکانیزاسیون بانکها انجام می‌شود، به نظر می‌رسد که خیلی جای نگرانی دارد. بنده خودم حداقل در حد اطلاعاتی که از قبل داشته و در این چند روز هم مطلع گردیده‌ام، از روندی که در کار مکانیزاسیون بانکها وجود دارد، جا دارد که اظهار نگرانی جدی کنم و فکر می‌کنم که دوستان باید بیشتر به آن حساس باشند. خود بنده از مسئولین این بخش و کارهایی که در این بخش در مورد خریدهایی که انجام شده که عمل آن هم جدی و قابل احتساب نبوده و خرج‌هایی که صورت گرفته، در واقع، نگرانیم را اعلام می‌کنم و از دوستانی که در این کار هستند، خواهش می‌کنم فکری جدی تری بکنند و باز بین جمع‌بندی‌های جلسه، بحث مکانیزاسیون بانکها با اعمال اختیار و مسؤلیت برای مدیران عامل و هیأت مدیره بانکها باید تکلیف آنان را مشخص کرده و هزینه و نظم و انضباط آن را هم تعیین کرد و ما دیگر از این روشهای کهنه و قدیمی و دور افتاده که در سیستم بانکی ما، برای خدمت به مردم استفاده می‌شود، فراتر رفته و باید کاری کنیم که کار مردم و مشتریان سریع‌تر انجام گردد و به آنان احترام گذارده شود. شاید یکی از علامت‌های این کارها و خدمات بانکی و تدابیری که برای فعال کردن بانک وجود دارد، این باشد که بانکها برای جلب مشتری رقابت و تبلیغ کنند. الان اگر برای جلب سپرده‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت تبلیغ شد؛ اگر خدمات فقط برای گرفتن حساب جاری و غیره نبود، و تنوع داشت، به مردم احترام گذارده شد و کارهایی از این قبیل؛ در آن صورت، معنایش این است که تدابیر کارساز بوده است.

همان طور که عرض کردم، سیستم بانکی پیشقراول به ثمر رسانیدن اصلاحات اقتصادی است که دولت تصمیم آن را گرفته است. اگر بانکها فعال نشوند، هیچ حرکتی در این زمینه متصور نیست. با نظام فعلی بانکی، با روش عملکرد فعلی بانک‌هایمان احتمال اینکه فکر کنیم بخش خصوصی، بخش غیردولتی سرمایه‌گذاری کند، ضعیف است. بایستی این کار را در قالب بانکداری اسلامی انجام دهیم. دوستان باید کار کنند و تعاریفی در همه زمینه‌ها بیاورند؛ تعاریف

جدیدی از پول، از بانک، از سود، از هبه کردن منابع مازاد، از اینکه بانک نقش واسطه وجوه را دارد یا اینکه فقط عامل اجراست. باید تعاریفی برای انواع روشهای جدید جذب منابع و حفظ سپرده‌گذارها و غیره پیدا کنیم. دوستان باید در همه این زمینه‌ها کار کنند. همه اینها از مفاهیمی است که در مملکت مورد تجربه واقع شده یا فکری بوده که صاحب‌نظران ابراز داشته‌اند و مکتوب شده و یا فکری بوده که در دنیا تجربه گردیده که باید از آن بهره بگیریم. منتها، با دو محک باید آنها را بسنجیم. یکی قواعد محلی و فرهنگی خودمان و دیگری هم چارچوب مبانی فقهی‌مان که برای ما لازم الاجراست. ما باید با استفاده از تجربیات دنیا و در مقایسه با این دو محک، بانک خودمان را در خدمت شکوفایی اقتصاد مملکت قرار دهیم، و اگر بر این مهم تمرکز فکری و عملی داشته باشیم، من مطمئنم با نیروی انسانی مجربی که در سیستم بانکی وجود دارد، در فرصت کوتاهی به مقصود خواهیم رسید. حال، ممکن است عده‌ای بازنشسته شده و در نظام بانکی غیردولتی فعال شده باشند. آنجا هم در خدمت نظام بانکی و اعتباری مملکت هستند. قدمشان روی چشم. بخش بانکی غیردولتی را رشد بدهند، ما هم در خدمتشان هستیم. برای این کار، همکاری همه صاحب‌نظران و همه نخبگان طلب می‌شود؛ چه جمعی که اینجا هستند و چه جمعی که اینجا نیستند. حتماً باید بتوانیم این نظرها و ایده‌ها را جمع کرده و به ثمر برسانیم. اگر این کار را انجام دهیم، غیر از نتیجه‌ای که برای بهبود وضع اقتصاد مملکت خواهد داشت، سیاست‌هایی هم که دولت برای کاهش تسهیلات تکلیفی و تأمین منابع مالی و دادن اختیارات به بانک‌ها دنبال کرده، به نتیجه خواهد رسید. دیگر اینکه، شاهد رضایت عمومی در مملکتمان شده و مردم از نظام، از مملکت، از دولت راضی خواهند شد. سیستم بانکی جایی است که تقریباً بدون استثناء با همه آحاد مملکت به نوعی کار دارد. ارایه خدمات سهل و روان و محترمانه و قابل فهم و سالم و بدون مشکلات اداری، مالی، پولی، حتماً یکی از عوامل مهم رضایت عامه از نظام و مملکت است که وظیفه ماست آن را فراهم کنیم. اصولاً همه جاهایی که در ارتباط با مردم هستند، غیر از آنچه وظیفه اصلی‌شان است، این نقش را هم باید ایفا کنند و رضایت عمومی را کسب نمایند. بعضی جاها شاید اهمیت بیشتری هم داشته باشد، مثل سازمانهای برنامه و بودجه، سازمان‌های این چنینی، سازمان‌های حسابرسی. سیستم بانکی جایی است که مثل آموزش و پرورش، ارتباط تنگاتنگ تقریباً با تمامی مردم دارد. این ارتباط کامل با تمام آحاد ملت، وظیفه دیگری را بر عهده ما می‌گذارد که باید برای احراز رضایت افکار عمومی از دولت، حکومت، نظام، این خدمات را انجام دهیم. و اگر نبود آن بحث‌های تخصصی و فنی و فقط همین وظیفه آخری را می‌داشتیم، باید این کار را می‌کردیم که البته، هر دو وظیفه را داریم. تا آن حدی که من دیده‌ام، الان تصور افکار عمومی به

ویژه در این ده پانزده روزه که با آن بسیار مواجه بودم ، چه از طریق خبرنگاران و نماینده‌های مردم در مجلس و چه خودم به عنوان یک تبعه ملت که در ارتباط با نظام بانکی هستم ، این رضایت ، عامل رضایت مردم از حکومت نیست و به عبارت دیگر ، نتوانسته این خصیصه را پیدا کند که ایجاد خوشبینی نماید . وظیفه همه ماست که تمام این کارها را انجام بدهیم . خدا هم انشاءالله کمک می‌کند که با همکاری و همفکری همدیگر در این راه قدم بگذاریم .

اگر جناب آقای دکتر عمرانی و دوستان هیأت اداره کننده همایش این پیشنهاد بنده را تأیید کردند که دستور جلسه میزگرد فردا این باشد که چگونه کار را ادامه دهیم ، به طوری که از پس فردا این همایش تبدیل به یک کمیته کاری برای به ثمر رسانیدن و بهره‌برداری از بحث‌های مطرح شده شود، بنده هم فردا به عنوان یک عضو میزگرد یا یک تماشاچی در خدمتتان خواهم بود و چنانچه نکاتی هم به نظرم رسید عرض خواهم کرد . خیلی عذر می‌خواهم .

والسلام و علیکم و رحمة الله و بركاته .